

به نام لاهورا مزدا

(شاپور یکم) (با املای پهلوی کتیبه‌ای: و تلفظ: شهپهر) دومین (شاهنشاه ساسانی) و فرزند اردشیر بابکان است. از ۲۴۱ تا سال ۲۷۱ میلادی، به عنوان شاهنشاه ایران سلطنت کرد.



در سکه‌های اردشیر، تصویر شاپور، به عنوان نایب‌السلطنه، درج شده است. وی از شاهان بزرگ ساسانی محسوب می‌شود. او بیشاپور کازرون را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد.

(جنگ اول با روم)

این جنگ، از ۲۴۱ تا سال ۲۴۴ میلادی بطول انجامید. در عرصه نظامی شاپور، چنانکه که خود در کتیبه کعبه زرتشت تصریح کرده است، در سال ۲۴۴ میلادی گردیانوس سوم امپراتور روم را که به ایران تاخته بود، شکست داد و کشت. فیلیپ عرب (امپراتور بعدی) را مجبور به پرداخت غرامتی هنگفت و واگذاری زمین‌های زیادی به ایران کرد.

آنچه در کتیبه شاپور، بدان اشاره نرفته است، این است که گوردیانوس سوم، در ضمن جنگ با شاپور، در طی شورش‌هایی که فرمانده گارد خود او، فیلیپ معروف به عرب، بر ضد او ترتیب داد، کشته شد.

فیلیپ بلافاصله خود را امپراتور خواند و باعجله از شاپور، درخواست صلح کرد و حتی غرامت پرداخت تا بتواند اساس حکومت خود را در روم، استوار سازد.

بموجب این معاهده قیصر روم ارمنستان را به ایرانیان واگذار کرد. تعهدی که وی در باب عدم مداخله در ارمنستان کرد، برخلاف منافع واقعی روم بود.



شاپور یکم

این جنگ، از ۲۵۸ تا سال ۲۶۴ میلادی بطول انجامید. مسئله ارمنستان شاپور را دوباره با روم، درگیر کرد چرا که روم با وجود تعهد در عدم مداخله، نمی توانست با خونسردی شاهد الحاق این سرزمین به قلمرو حریف دیرینه خویش باشد.

خسرو بزرگ پادشاه ارمنستان که در ماجرای گوردیانوس بر ضد ایران با روم همکاری کرده بود، بر اثر یک توطئه داخلی که ظاهراً شاپور هم در آن دستی نامرئی داشت، کشته شد. بعد از وی شاهزادگان و بزرگان ارمنستان خود را فرمانبردار شاپور خواندند و شاپور پسر خویش هرمز اردشیر را به نام ارمن شاه، فرمانروای ارمنستان کرد اما اقدام رومیان، در پناه دادن به تیرداد، پسر خردسال خسرو، مایه ناکرسانی شاپور شد و امپراتور روم گالوس نیز از پرداخت باقیمانده غرامت یا در واقع باجی که فیلیپ، آن را تعهد کرده بود، نیز خودداری کرد، بنابراین بهانه ای به دست شاپور افتاد تا جنگ را شروع کند.

پس از غلبه کردن شاپور اول بر کاپادوکیه (ارمنستان روم)، وی به انتاکیه یورش برده و آنجا را تصرف می کند.

اسارت والرین



بالاخره

لزوم مقابله با این تاخت و تازها، والرین امپراتور سالخورده روم، را واداشت تا با نجات دادن نناکیه، روم را از تهدید شاپور برهاند. والرین مثل امپراتور قبلی خود داکیوس (دقیانوس) در تعقیب و آزار مسیحی ها اهتمام زیادی داشت. والرین، امپراتور روم، پسرش را به غرب فرستاده و خود برای مقابله با ایرانیان راهی شرق می شود. وی به سال ۲۵۷ میلادی موفق به باز پس گیری انتاکیه شده ولی دو سال بعد پیش از مواجهه با شاپور در اثر طاعون بسیاری از لژیون های خود را از دست می دهد و در نهایت چندی بعد، در اواخر سال ۲۵۹ یا اوایل ۲۶۰ در جنگ اِدسا، در ترکیه فعلی و شمال انتاکیه در کشور خود، از شاپور شکست خورده، اسیر شد. به دنبال اسارت او تعداد زیادی از همراهانش که به قول شاپور، شامل صاحبمنصبان، سناتورها و سرداران روم می شد نیز به اسارت افتادند. روایتهای به جا مانده که از استفاده مهندسان رومی، در بنای شهرها و ساختن بندها در کارون حکایت دارد.

شاپور به افتخار این پیروزی دستور حک پیکره ای عظیم، در دل کوه رحمت، در نقش رستم داد که وی را پیروزمندانه نشسته بر اسب، نشان می دهد، در حالی که امپراتور فروتنانه، در برابر وی، زانو زده است. اسیر شدن والرین اثر غریبی در دنیای آن روز کرده و در انظار عالم، بر عظمت و ابهت خاندان ساسانی فوق العاده افزود. این واقعه بی نظیر، افسانه آسیب ناپذیری روم را بک بار دیگر بی بنیان نشان داد. مسیحیان این اسارت را عقوبت الهی در حق دشمن ستمکار خویش خواندند و راجع به رفتار اهانت آمیز شاپور در حق او مبالغه کردند تا سرنوشت او را بیشتر عبرت انگیز نشان بدهند.

تشبیه شاپور به داریوش بزرگ



بعضی

شاپور یکم، را داریوش بزرگ، سلسله ساسانی، میدانند ولیکن این تشبیه صحیح نیست. شاپور سرزمینهای زیادی را متصرف شد ولیکن فقط به قتل و غارت پرداخت و هزاران کشته، از زن و بچه، در پشت سر خود گذاشته، به ایران مراجعت کرد. از این حیث شاپور به پادشاهان آسوری، شبیه است زیرا پادشاهان هخامنشی وقتی که مملکتی را می گرفتند، ساتراپی آنجا گذارده و تشکیلاتی برای اداره کردن آن، داده، مملکت تازه تسخیر شده را حفظ می کردند و چون آن مملکت را از آن خود میدانستند، غارت یا کشتاری در آنجا نمینمودند، غیر از مواردی که طغیان و شورش در جایی تکرار می شد ولیکن شاپور نه در شامات تشکیلاتی داد و نه در کاپادوکیه و فقط به قتل و غارت پرداخت با وجود این خوش بختی سلسله ساسانی بود که دو نفر از نخستین شاهان آن، اشخاصی بودند مثل اردشیر یکم و شاپور که این سلسله را، در انظار عالم، بزرگ و مبانی دولت ساسانی را محکم نمودند.

پدید آمدن مانی

از وقایع مهم سلطنت شاپور، پدید آمدن مانی است که مذهبی آورد و در سال ۲۴۲ میلادی، موقع تاجگذاری شاپور، اصول آن را در ملا عام بیان کرد. این مذهب که مرکب از اصول مذاهب مختلفه بود، بعد ها خیلی گسترش پیدا کرد و در شرق و غرب منتشر شد. شاپور در ابتدا به مانی گروید و مذهب او را قبول کرد ولیکن بعد به دین زرتشت برگشت.

از شاپور کتیبه‌هایی به سه زبان پارسی میانه، پارتی و یونانی باقی مانده است.

کشورداری شاپور

شاپور سد شادروان را که از سنگ خارا ساخته شده، در رود کارون در شوشتر بنا کرد و مهندسین و اسرای رومی را به ساختن آن واداشت. شهر شاپور را در نزدیکی کازرون در فارس بنا کرد که خرابه های آن باقی مانده است. بنای نیشابور را در خراسان و گندی شاپور را در خوزستان نیز به او نسبت می دهند.

مؤرخین گرجستان می نویسند که شاپور، مهران پسر خود را، به سلطنت گرجستان فرستاد. مهران، سلسله سلاطین خسروی را، در آنجا تأسیس کرد و بعد میسحی شد.

به فرمان شاپور رونوشتی از اوستا در آتشکده آدرگشسپ در شیز نهادند. در زمان اردشیر یکم آتشدان روی سکه ها بر روی یک سه پایه فلزی واقع شده و آتش مقدس در حال اشتعال، در بالای سه پایه نمودار است اما در زمان شاپور آن سه پایه از بین رفته و آتشدان بصورت ستونی بزرگ و چهار ضلعی ساخته شده که در دو طرف آتشدان دو تن با عصا یا نیزه بلند ایستاده اند و این نوع سکه در شاهان ساسانی، بعد از شاپور نیز بدون تغییر دیده می شود.

تندیس مومی

در موزه تاریخ فارس در شهر شیراز تندیس هایی مومی از پادشاهان هخامنشی و ساسانی قرار داده شده است. تصویر روبرو تندیس مومی شاپور اول پادشاه ساسانی است.

<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی